

بررسی نمادهای سیاسی - اجتماعی در داستان‌های کودک و نوجوان داریوش عبادالهی

امیر الهامی^۱، فاطمه محمدزاده^۲

^۱ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

^۲ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

نماد به عنوان یک عنصر ادبی با ظرفیت چندمعنایی، علاوه بر اینکه ارزش‌های بلاغی بسیاری دارد، گاهی دستمایه آفرینشگران ادبی برای بیان مضامین مختلف اجتماعی و سیاسی نیز بوده است. داریوش عبادالهی از نویسندگان دههٔ چهل و پنجاه است که به دلیل شرایط خفقان‌آور سیاسی و اجتماعی آن دوره، اندیشه‌ها و مطالبات خود و جامعه را در قالب داستان‌هایی برای کودکان و نوجوانان و به صورت نمادین بیان کرده است. هدف از نگارش این مقاله، بررسی چگونگی استفادهٔ عبادالهی از انواع نمادهای حیوانات، گیاهان، نمادهای برگرفته از طبیعت و موجودات افسانه‌ای در قالب داستان‌های کودکان و نوجوانان و برای بیان مقاصد سیاسی و اجتماعی اوست. کثرت انواع نمادها در داستان‌های عبادالهی علاوه بر اینکه نشان‌دهندهٔ نگاه مآبوسانهٔ او به حاکمیت آن دوره و مشکلات سیاسی است، بیان‌کنندهٔ خلاقیت او در چگونگی استفاده از این نمادها است. این مقاله به روش تحلیلی - توصیفی نوشته شده است و نشان می‌دهد که عبادالهی از همهٔ این نمادها که زیرمجموعه‌های بسیاری نیز دارد، به‌خوبی استفاده کرده است؛ به‌طوری که می‌توان گفت نمادهای او بازنمایی‌کنندهٔ سیاست‌های حاکم بر جامعه، زورمداری دشمنان و ابرقدرتها و مظلومیت انسان‌های ضعیف است. از میان نمادهای حیوانات، راسو نماد پیش‌روندگی است و با ویژگی‌هایی که دارد، حیوانات ضعیف را به مقابله با قدرت‌های برتر تشویق می‌کند. از میان عناصر طبیعت گرما، سرما، باد و... طبیعی ویرانگر دارند که باز هم به ابرقدرت‌هایی که زندگی مردم را نابود می‌کنند، اشاره دارند. موجودات افسانه‌ای همچون غول و اژدها نیز قدرت‌هایی هستند که تلاش می‌کنند مردم را از طبیعی‌ترین حقوق خود محروم کنند.

واژه‌های کلیدی: داریوش عبادالهی، داستان‌های کودکان و نوجوانان، نمادهای حیوانات، گیاهان، موجودات افسانه‌ای.